



واکنش ۵ اقتصاددان به تجمعات اخیر: صدای اعتراض ها را بشنوید

۱۵ مهر ۱۴۰۱ | ۲۱۱۳۹ | اخبار اقتصاد کلان

پنج اقتصاد با اشاره به اتفاقات پس از مرگ تائر برانگیز زنده یاد مهسا امینی نسبت به نادیده گرفتن تفاوت و مسائل پیرامون جامعه ایران هشدار داده و خواستار آن شده اند که با با جمعیت بخشی به تدابیر زمینه گذار از این پیچ خطرناک فراهم شود.



ایران اقتصادی نامه ۵ نظریه‌پرداز جریان اقتصادی لیبرال در اغتشاشات سال گذشته را بازخوانی کرد

خواجگان اقتصاد؛ کاسبان اغتشاش

قطعاً اگر مسعود نیلی و همفکرانش احتمال می دادند که اغتشاشات به پایان خواهد رسید، ریسک آن بیانیه سیاسی علیه جمهوری اسلامی و حکومت را نمی کردند. اکنون دیگر نیلی و همفکرانش نمی توانند مدعی استادی اقتصادی و مواضع غیرسیاسی شوند چراکه در اوج اغتشاشات سال گذشته، همپای ضدانقلاب شدند

گزارش

یک سال از نامه معروف ۵ اقتصاددان گذشت که در آن مقامات کشور را از بروز انفجار در جامعه به دلیل ناکارآمدی در حکمرانی هشدار می دادند.

طرح چنین مطالب از سوی این ۵ نفر در حالی بود که این افراد طی دهه‌های گذشته نقش پررنگی در آموزش و تزریق افراد همسو با خود در نهادهای مختلف تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز اقتصادی ایران داشته‌اند. دولت روحانی که خروجی و عصاره همین مدیران بود، به گواه تمام نظرسنجی‌ها و بسیاری از شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی، بدترین عملکرد را میان تمامی دولت‌های پس از انقلاب ثبت کرد و همگان به وضوح، نتایج عملکرد این تفکر در عرصه‌های مختلف از دیپلماسی گرفته تا اقتصاد را با تمام وجود لمس کردند. پانزدهم مهرماه سال گذشته بود که پنج اقتصاددان دربارہ ریشه اغتشاشات و ناآرامی‌های پاییز ۱۴۰۱، نامه‌ای سرگشاده منتشر کردند.

مسعود نیلی دانشیار دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه شریف، محمد طیبیان از بنیان‌گذاران مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، موسی غنی‌نژاد اقتصاد‌داده و مدیر مرکز تحقیقات دنیای اقتصاد، محمدمهدی بهکیش اقتصاد‌داده و دانشیار دانشکده اقتصاد علامه طباطبایی و حسن درگاهی دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی پنج امضاکننده این بیانیه بودند.

پیشگویی سرکوب اعتراضات

در بخشی از نامه مذکور اعلام شده بود: با افزایش سطح تحصیلات، توسعه شهرنشینی، دسترسی بیشتر به اطلاعات و فراهم شدن بیشتر زیرساخت‌ها و به‌طور ویژه، با افزایش مشخصه‌های یادشده، برای زنان، تقاضا برای رفاه فزون‌تر، مشارکت مؤثرتر سیاسی و شفافیت مالی و سیاسی و در یک کلمه،

کیفیت بهتر حکمرانی، افزایش پیدا می‌کند، اما مسیری که طی یک دهه گذشته و به‌طور کاملاً ویژه در فاصله سال‌های ۱۳۹۶ به بعد در هر سه زمینه یادشده یعنی «رفاه»، «مشارکت سیاسی» و «شفافیت مالی و سیاسی» طی شده، خلاف جهت مورد تقاضا بوده است.

امضاکنندگان این نامه، بدتر شدن وضعیت رفاهی خانوارها در نیمه دوم دهه ۹۰ را از دیگر عوامل نارضایتی‌ها عنوان کرده و نوشته بودند: تحولات نامطلوب دهه ۱۳۹۰، باعث آن شده است که جمعیت کم‌درآمد کشور از ۱۱میلیون به رقم هشداردهنده ۲۳میلیون نفر برسد که این میزان افزایش هشداردهنده فقط با کوچک‌تر شدن جمعیت طبقه متوسط اتفاق افتاده است.

آنها در نامه خود اعلام کرده بودند: شهروندان مکرراً در معرض شنیدن اخبار تخللفات مالی گسترده، مشاهده زندگی لوکس فرزندان مستولان و لمس رانت‌های بزرگ هستند. چنین تناقضی برای شهروندانی که در معرض فقر و کاهش رفاه هستند قابل قبول نیست و در این بستر جامعه عصبانی و خشم آنها آماده اشتعال است.

این ۵ اقتصاددان در مهم‌ترین فراز نامه خود، عبور از اغتشاشات را غیرممکن خوانده بودند و نسبت به سرکوب اغتشاشات هم هشدار داده و نوشته بودند: سوءتدبیرها موجب شده که اعتراضات وارد فاز خشم شود و در این مرحله حتی اگر تصمیم‌گیرندگان موفق به سرکوب خشم شوند به‌معنای پایان غائله نیست و خطر قهر دائمی میان جامعه و حکومت را به دنبال دارد.

چرا نامه سیاسی نوشتند؟

نگاهی به «محتوا» و «نویسندگان» نامه مذکور، نکات جالبی از این بخش عظیمی از مشکلات اقتصادی که در نامه مذکور بدان اشاره شده، محصول مدیریت دولت‌هایی است که از قضا مورد حمایت همین افراد بوده و حتی در آن دولت‌ها مسئولیت هم داشته‌اند.

بازرتین نمونه آن، دهه ۹۰ است که



سال گذشته در اوج اغتشاشات، گویا

این جریان نیز فریب

صحنه‌سازی دشمنان در

فضای مجازی را خورد و

برای نخستین بار راهی

میدان سیاست و حمله به

انقلاب اسلامی شد. قطعاً

اگر نیلی و همفکرانش فکر

می کردند که اغتشاشات

به پایان خواهد رسید،

ریسک آن بیانیه سیاسی

علیه جمهوری اسلامی و

حکومت را نمی کردند

دیپلماسی گرفته تا اقتصاد را با تمام وجود لمس کردند. با گذشت یک سال از انتشار نامه ۵ اقتصاددان، نگاهی به وضعیت شاخص‌های مهم اقتصادی نشان می‌دهد برخلاف ادعای این افراد، وضعیت تقریباً تمامی شاخص‌های اصلی اقتصادی شاخص‌های مورد اشاره آنان از جمله رشد اقتصادی، شکاف طبقاتی، بیکاری، عوامل تورمی و... بهتر از سال گذشته هستند.

رشد اقتصادی به گواه دو مرجع رسمی آماری کشور در سال ۱۴۰۱ حداقل برابر ۴ درصد بوده است. شکاف طبقاتی کاهش یافته و ضریب جینی به ۳۸،۷۷ درصد کاهش یافته در حالی که این شاخص در سال ۹۹ بالای ۴۰ درصد بود؛ روندی که نشانگر کاهش تدریجی فاصله طبقاتی در دولت سیزدهم است. همچنین نرخ بیکاری با ثبت رقم ۸،۲ درصدی، به کمترین رقم ۲۰ سال اخیر رسیده است. نرخ رشد نقدینگی به عنوان مهم‌ترین عامل بروز تورم در میان مدت و بلند مدت به ۲۶،۹ درصد در مرداد رسیده که کمترین رقم در ۴ سال اخیر است.

برخورد دوگانه و جناحی این افراد با مسائل کشور از جمله مسائل اقتصادی هم در مسائل مختلف قابل مشاهده است. این ۵ نفر در نامه خود از «رانت‌های بزرگ» سخن می‌گویند اما در برابر بزرگترین رانت تاریخ کشور که همان رانت ارز ۴۲۰۰ تومانی بود، سکوت کردند. جالب آنکه نه تنها از دولت سیزدهم بابت حذف این رانت تاریخی حمایت نکردند، بلکه دولت سیزدهم را به خاطر تورم ناگزیر ناشی از حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی شماتت کردند. با این حال تجربه مدیریت دولت روحانی و کارنامه مدیران پر ادعای آن از جمله شخص مسعود نیلی، عیار واقعی ادعای این افراد را برای مردم مشخص کرده است. جامعه امروز بیش از هر زمان دیگری به آگاهی و بلوغ نسبت به ادعاها و نمایش‌های سیاسی رسیده و این تلاش‌ها هرگز نمی‌تواند خاطرات تلخ هشت سال دولت روحانی را در خاطر مردم پاک کند. این ۵ اقتصاددان همگی حامی اقتصاد آزاد هستند و قطعاً مهم‌ترین لیدرهای جریان لیبرال اقتصادی در کشور محسوب می‌شوند.

آنها در سه دهه اخیر در دولت‌های رفسنجانی، خاتمی و روحانی همواره در سیاستگذاری اقتصادی و ارائه مشاوره به رؤسای جمهور، نقش مهم و تأثیرگذاری در شکل‌گیری سیاست‌های اقتصادی کشور داشتند. در بیانیه خود، مشکلات و عقب‌ماندگی‌های این دهه را دلیل اصلی ناآرامی‌ها و اغتشاشات اخیر معرفی کرده‌اند. در واقع می‌توان گفت این اقتصاددانان به نوعی به شکست تفکرات و دیدگاه‌های خود در اداره اقتصاد و توسعه آن اعتراف کرده‌اند، اما هیچ‌گاه به صورت رسمی نقش خود را در این مشکلات نپذیرفته‌اند. در این میان مسعود نیلی شناخته شده‌ترین امضاکننده این نامه خود در کسوت مشاور و دستیار ویژه اقتصادی حسن روحانی مشغول به کار بود.

سیاستگذاران در پستو

بررسی سوابق این افراد نشان می‌دهد، این افراد طی دهه‌های گذشته نقش پررنگی در آموزش و تزریق افراد همسو با خود در نهادهای مختلف تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز داشته‌اند. دولت روحانی که خروجی و عصاره همین مدیران بود، به گواه تمام نظرسنجی‌ها و بسیاری از شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی، بدترین عملکرد را میان تمامی دولت‌های پس از انقلاب ثبت کرد و همگان به وضوح، نتایج عملکرد این تفکر در عرصه‌های مختلف از

رویداد

گزارش خبری

چرا نقره‌داغ کردن آژانس نتیجه خواهد داد؟

دولت سیزدهم که توانست با دیپلماسی فعالانه، ترمز قطعنامه‌های سیاسی شورای حکام را بکشد اکنون مصمم است ماجراجویی غربی‌ها در سوءاستفاده سیاسی از تریبون آژانس و بیانیه‌خوانی علیه کشورمان رامتوقف کند.

شب گذشته رافائل گروسی در بیانیه‌ای اعلام کرد ایران رسماً به ما از تصمیم خود برای لغو مجوز فعالیت چند نفر از باتجربه‌ترین بازرسان آژانس که برای راستی‌آزمایی فعالیت‌های این کشور ذیل توافقنامه پادمان‌های منع گسترش سلاح‌های اتمی تعیین شده بودند، خبر داده است. در این بیانیه آمده است، ایران با اقدام خود عملاً حدود یک‌سوم از باتجربه‌ترین بازرسان آژانس را از فعالیت خود در ایران بذاشته است. مدیرکل آژانس ضمن محکوم کردن این اقدام مدعی شد اکنون فعالیت‌های آژانس در زمینه راستی‌آزمایی تحت‌تأثیر قرار می‌گیرد. ساعاتی بعد سخنگوی وزارت امور خارجه به این خبر واکنش نشان داد و ضمن تأیید تلویحی آن گفت: ایران پیشتر نسبت به عواقب سوءاستفاده‌های سیاسی از جمله تلاش برای سیاسی کردن فضای آژانس هشدار لازم را داده بود.

ماجرای چه قرار است؟

روند همکاری‌های ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از اسفند ماه سال گذشته و سفر رافائل گروسی به تهران وارد دور جدیدی از روابط فنی و پادمانی شده و به صورت قابل توجهی در خصوص موضوعات فی‌مابین پیشرفت داشته است. این مهم را می‌توان از بسته شدن پرونده ادعای غنی‌سازی ۸۴ درصدی و همچنین بسته شدن پرونده یکی از سایت‌های ادعایی در پی نشست فصل گذشته مشاهده کرد.

همچنین در پی همین همکاری‌های فنی بود که ایران نصب تعدادی از دوربین‌های نظارتی البته بدون دسترسی آژانس را اجرایی کرد. عدم صدور قطعنامه‌های شورای حکام از اسفند سال گذشته تاکنون نشان می‌دهد آژانس همکاری‌های فنی و قانونی تهران را مورد توجه قرار داده و با نگرانی نسبت به واکنش تهران از صدور قطع نامه‌های سیاسی در شورای حکام عقب‌نشینی کرده‌است.

اما آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و سه کشور اروپایی به همراه امریکا بدون توجه به همکاری‌های پادمانی ایران همچنان تلاش دارند تا با بیانیه‌خوانی سیاسی و قرائتی خلاف واقع از رفت و آمدهای دیپلماتیک و فنی، جمهوری اسلامی ایران را متهم به عدم همکاری کنند تا شاید بتوانند با این اقدامات بر فضای داخلی ایران تأثیر بگذارند.

ادعاهای واهی بی‌پاسخ‌نماند

با وجود همکاری‌های قانونی، پادمانی و سازنده ایران و آژانس، رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در نشست خبری و همچنین گزارش خود در نشست فصلی این نهاد که هفته گذشته برگزار شد، به تکرار ادعاهای بی‌پایه و اساس پرداخت و مدعی شد هیچ پیشرفتی در اجرای فعالیت‌های تعیین‌شده در توافق اسفند سال گذشته مبنی بر نصب و فعال‌سازی دوربین‌ها و همچنین دسترسی به دو سایت ادعایی، صورت‌نگرفته‌است.

اما واقعیت میدانی گویای آن است که آژانس هیچ‌گاه اسناد معتبری در خصوص مواد هسته‌ای اعلام‌نشده و فعالیت‌های مرتبط با هسته‌ای را در اختیار ایران نگذاشته و همواره به توضیحات ایران بی‌توجهی کرده است. علی‌رغم نداشتن تعهدات، ایران به صورت داوطلبانه به آژانس اجازه دسترسی داده و اطلاعات و توضیحاتی را در خصوص این دو مکان ادعایی ارائه داده‌است. با این حال، آژانس اسناد غیرمعتبری که شجاعت ارائه آن به ایران را هم ندارد مبنای بیانیه‌خوانی سیاسی خود قرار داده و توضیحات معتبر ایران را مورد توجه قرار نداده است. آژانس با وجود این کارکنی‌ها انتظار دارد، دولت جمهوری اسلامی ایران برخلاف قانون اقدام راهبری مجلس شورای اسلامی، داده‌های دوربین‌ها را در اختیار آژانس قرار داده و حتی دوربین‌های جدیدی نیز در مکان دیگری نصب کند! سه کشور اروپایی عضو برجام نیز با صدور بیانیه‌ای مشترک در نشست فصلی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، بدون اشاره به اینکه کدام طرف مقصود وضع موجود در اجرای توافقات سال ۹۴ است و باید گام‌های لازم را برای ازسرگیری اجرای آن بردارد، مدعی شدند ایران بیش از چهار سال است که تعهدات برجامی خود را نقض کرده‌است. خبرنگار سیاست خارجی ایرنا از یک منبع آگاه مطلع شده است که جمهوری اسلامی ایران در روزهای گذشته به اطلاع طرف‌های غربی رسانده است که نسبت به صدور هرگونه بیانیه علیه کشورمان و همچنین اقداماتی به ایران باوجود اقداماتی که مبتنی بر حسن نیت در تعامل با آژانس صورت گرفته، واکنش قاطعانه نشان خواهد داد. اکنون ایران براساس حقوق حاکمیتی مصرح در ماده ۹ موافقتنامه جامع (پادمان بین ایران و آژانس INFIRC۲۱۴) مجوز فعالیت چند نفر از بازرسان آژانس را که تابعیت اروپایی نیز داشته‌اند، لغو کرده‌است.

انتظار برای عقب‌نشینی غرب

تجربه نشان داده‌است اقدامات متقابل و قاطعانه تهران، در برابر سیاسی‌کاری و اقدامات مخرب غرب در سوء‌استفاده از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌تواند به تغییر رفتار آنها منجر شود. نمونه این دیپلماسی فعالانه را می‌توان در کشیده شدن ترمز قطعنامه‌های شورای حکام مشاهده کرد. روند مخرب استفاده سیاسی از آژانس که از اسفند سال ۱۳۹۹ با صدور قطعنامه ضدایرانی توسط شورای حکام رقم خورده بود تا آبان سال ۱۴۰۱ ادامه داشت. ایران در جریان آخرین قطعنامه نشست شورای حکام که در آبان سال ۱۴۰۱ منتشر شد، رسماً اعلام کرد در پاسخ به این اقدام ضدایرانی، غنی‌سازی ۶۰ درصد را برای اولین بار در سایت راهبردی فردو آغاز کرده است. تعویض ماشین‌های سانتریفیوژ نسل اول با ماشین‌های پیشرفته، آغاز تجهیز سانی جدید و اقدامات فنی و مهم دیگر از جمله واکنش‌هایی بود که نگرانی طرف غربی از تبعات تصمیم خود را به‌وجود آورد.

از همین رو برای کشورهای اروپایی و امریکا محرز شد که ادامه این رویه مخرب در صدور قطعنامه ضدایرانی و تصاعد تنش با تهران می‌تواند پاسخ قاطعانه دیگری را در پی داشته باشد. روند واکنش‌های قاطعانه دستگاه‌های تصمیم‌گیر دولتی باعث شد از اسفند سال گذشته تاکنون و با وجود برگزاری سه نشست فصلی، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هیچ قطعنامه ضدایرانی را توسط شورای حکام منتشر نکند.

دولت سیزدهم اکنون با هوشیاری کامل اجازه جایگزین شدن بیانیه ضدایرانی با قطعنامه شورای حکام را نخواهد داد و اعلام کرده‌است که بیانیه‌خوانی سیاسی علی‌رغم همکاری‌های موجود را نمی‌پذیرد. ایران مصمم است که طرف مقابل را به‌مچون مسأله قطعنامه‌های شورای حکام مجبور به عقب‌نشینی کند.

این رویه نشان می‌دهد آژانس و کشورهای اروپایی باید از این تاریخ به بعد، منتظر پاسخ و واکنش قاطعانه ایران به بیانیه‌های خود در حاشیه نشست‌های آژانس و سوء‌استفاده سیاسی از این نهاد فنی باشند چرا که تکرار رویه مخرب غرب می‌تواند اقدامات مبتنی بر حسن‌نیت ایران تحت‌الشعاع قرار دهد.